

بسم الله الرحمن الرحيم

بیشتر در مورد درهم و دینار حکم کردیم به اینکه در آن چیزی که شبیه درهم و دینار است و مورد معامله قرار می گیرد، زکات واجب است؛ مثل شمش طلا که اگر به صورت رایج به عنوان ثمن مورد معامله قرار بگیرد. مرحوم امام (ره) فرمودند که علی الاحوط زکات در آن واجب است. به همین مناسبت، این بحث پیش می آید که آیا در مورد اسکناس‌هایی که بین ما رائج است، زکاتی وجود دارد یا اینکه زکاتی وجود ندارد به ویژه که امروز معاملات نوعاً روی همین پول‌ها و اسکناس‌های مختلف انجام می گیرد؟ اما از سوی دیگر عنوان طلا و نقره به هیچ وجه در این اسکناس‌ها وجود ندارد؛ مگر در بعضی از افرادش؛ مثل این سکه‌های نقره ای که اینها هم نقره خالص نیستند بلکه مختلط با مس و ... هستند.

در درجه اول باید این بحث را مطرح کنیم که آیا زکات به پول‌های رایج مثل اسکناس و شبیه اسکناس تعلق می گیرد؛ چرا که اینها هم ثمن در معامله قرار می گیرند؛ یا اینکه به اینها زکات تعلق نمی گیرد؟ ظاهر مطلب این است که اینها خارج از دایره زکاتند. بله در برخی از اوقات خمس به اینها متعلق می شود؛ مثلاً اگر تاجری در بازار به وسیله همین پول‌ها تجارت کرد و مؤونه زائد بر سنه اش را هم استثناء نمود ولی باز هم مقداری باقی ماند، خمس مبلغ مازاد بر مؤونه سال را باید بدهد؛ چرا که یکی از مواردی که در آنها خمس واجب است، ارباح مکاسب است. البته خمس در ارباح مکاسب بعد از استثناء مؤونه سال محاسبه می گردد. تاجری هم که در بازار کسب و تجارت دارد، گاهی از اوقات تجارتش و کسبش به گونه ای است که در سال علاوه بر هزینه سال، سودهایی پیدا کرده و قطعاً این سودها داخل در دایره خمس هست؛ چرا که یکی از امور متعلق خمس ارباح مکاسب است. و مقصود از ربح هم آن سودی است که مؤونه سال از آن استثناء شده باشد؛ اما در مورد زکات این پرسش مطرح است که اگر کسی پول زیادی داشت، آیا به او زکات تعلق خواهد گرفت؟ شاید در نگاه اولیّه انسان تصور کند که پول زیاد از آن جهت که ثمن واقع می شود، همانند درهم و دینار متعلق وجوب زکات خواهد بود. در مورد دینار گفتیم که اگر ممسوح هم باشد و ممسوح بالاصل باشد (مثل شمش طلا) اما معامله آن در بازار رواج داشته باشد، زکات در آن وجود دارد. اما در مورد پول می گوئیم که هیچ گونه دلیلی نداریم بر اینکه به پولی که اسکناس یا شبیه اسکناس است، زکات تعلق بگیرد؛ شاید در ذهن ما بعضی نکات خطور کند ولی هر نکته ای در فقه اثر ندارد و نمی تواند منشأ یک حکم بشود. همان طور که یکی از مواردی که زکات به آن تعلق می گیرد، غلات اربع بود؛ اما در مورد این پرسش که آیا به برنج زکات تعلق می گیرد یا نه؟، روایتش را بررسی کردیم راوی از امام صادق صلوات الله علیه ظاهراً روایت می کند که آیا زکات به برنج تعلق می گیرد یا نه؟ از نظر قیمت به مراتب بالاتر از غلات اربعه است؟، امام صادق طبق آن روایتی که خواندیم، فرمودند که رسول خدا صلوات الله علیه عموم متعلق زکات را در همین چند امر ذکر کرده است با اینکه مسأله برنجکاری در زمان رسول خدا در مدینه وجود داشته است؛ چون در محل سیل و ... بوده؛ رسول خدا بر برنج زکات را واجب نکرد با اینکه نفع برنج با غلات اربعه قابل مقایسه نیست. به همین ترتیب، ما درباره این اسکناس‌های رائج - هر چند از نظر قیمت هم با دینار و درهم یکی باشند - نمی توانیم حکم بکنیم به اینکه در این اسکناس‌ها هم زکات وجود دارد؛ اما پرداخت خمس در آنها می تواند واجب باشد؛ چرا که پرداخت خمس در عنوان ارباح مکاسب واجب است و در ارباح مکاسب فرقی نمی کند بین اینکه آن ربح پول باشد یا شبه پول باشد. اما در مورد زکات باید گفت که در مورد عناوین خاص حکم به وجوب زکات شده و ما از آن عناوین نمی توانیم تعدی و تجاوز بکنیم؛ هر چند دارای قیمت بیشتری باشد. و هر چند معاملات با اسکناس واقع می شود؛ اما صرف واقع شدن در معامله به جای درهم و دینار سبب نمی شود که زکات به آن تعلق بگیرد.

بعضی‌ها گمان کرده اند که چون پشتوانه اسکناس طلاست و شما هم در طلا گفتید که منقوش بودن طلا معیار نیست اگر طلا ممسوح بالاصل هم باشد احتیاطاً واجب است زکات آن را بدهد. بنابراین، پرداخت زکات در اسکناس هم واجب خواهد بود. در پاسخ می گوئیم: اولاً خود این مطلب که همواره پشتوانه اسکناس طلا باشد؛ ثابت نشده است؛ بعضی از کشورها پشتوانه اسکناسشان کار است و طلا نیست؛ بعلاوه در بعضی از کشورها مثل کشور ایران اگر فرض کنیم که پشتوانه اسکناسش طلاست و صحت این فرض را پذیرفتیم، آن وقت جای این سؤال باقی است که آن پولی که شما صرف می کنید چه مقدار از آن پول پشتوانه اش طلا است؟ مثلاً وقتی که شما ده هزار تومان معامله می کنید چه مقدار از این ده هزار تومان پشتوانه اش طلا هست؟ اگر بگویید مجهول است، معامله به جهت جهالت باطل خواهد بود؛ چرا که شما نمی دانید که در مقابل این ده هزار تومان چه مقدار طلا به عنوان پشتوانه وجود دارد. به هر صورت این مطلب که پشتوانه

اسکناس طلا باشد، سبب نمی شود که حکم آن طلا (ولو اینکه شمش باشد) بر این اسکناس جریان پیدا بکند؛ چون عنوانش خارج از دایره درهم و دینار است؛ و بر فرض صحت این مطلب در مورد پشتوانه اسکناس اگر کسی از ما بپرسد که پشتوانه ده هزار تومان جنسی را که شما معامله می کنید چه مقدار طلاست؟ نمی توانیم به او پاسخ دقیقی ارائه کنیم. در صورتی به درهم و دینار زکات تعلق می گیرد که عنوان درهم و دیناری شان محفوظ باشد اماً دلیلی وجود ندارد که هر چیزی که جای درهم و دینار را پر بکند زکات در آن وجود داشته باشد؛ مخصوصاً با آن روایتی که در مورد برنج وجود داشت؛ که در آن روایت امام به طور اکید فرمودند که زکات به برنج تعلق نمی گیرد.

نکته ای در زکات مطرح است که سزاوار است این نکته را مورد بحث قرار دهیم، این که اگر کسی یک گله گوسفندی دارد که این گله گوسفند مرکب از چهل و پنج گوسفند است این چهل و پنج گوسفند را به یک جای خوش آب و هوایی برای چریدن فرستاده است چنین کسی برای این چهل و پنج گوسفند باید یک گوسفند زکات بدهد و پیشتر توضیح دادیم که لزومی ندارد که این گوسفند را از خود این چهل و پنج گوسفند بدهد اگر خود این چهل و پنج گوسفند فرضاً مورد علاقه اش است می تواند یک گوسفندی را از غیر اینها تهیه کرده و به عنوان زکات بپردازد اگر از این گله چهل و پنج تایی یک گوسفند را برداشت و به عنوان زکات پرداخت چهل و چهار گوسفند باقی می ماند اگر بر این چهل و چهار گوسفند یک سال بگذرد و شرایط و وجوب زکات به طور کامل تحقق داشته باشد، کسی نمی تواند بگوید من سال پیش زکات اینها را داده‌ام، دیگر امسال زکات اینها را نمی دهم؛ اگر امسال هم شرایط و وجوب زکات تحقق دارد و آن فرد چهل و چهار گوسفند دارد، باید یکی از این گوسفندها را به عنوان زکات بپردازد تا وقتی که به جایی نرسیده که تعداد گوسفندها کمتر از چهل گوسفند بشود باید زکاتش را بپردازد هیچ کسی هم نمی تواند بگوید من سال گذشته زکات اینها را پرداختم لذا امسال لازم نیست که زکات را بپردازم اگر مثلاً تا پنج یا شش سال دیگر هم شرایط زکات وجود داشته باشد زکات واجب خواهد بود؛ اما در مورد خمس ارباح مکاسب باید بگوییم هر سالی باید خمس ارباح مکاسبش را بپردازد.

خلاصه این که: بین عناوینی که متعلق وجوب زکاتند و بین عناوینی که خمس به آنها تعلق می گیرد، تفاوت هست؛ یکی از این تفاوتها این است که در باب زکات اگر نصاب وجود داشته باشد تا زمانی که این نصاب وجود دارد، باید زکاتش را بپردازد؛ وقتی که از نصاب خارج شد از دایره وجوب زکات هم خارج می شود؛ اما در باب خمس مسأله این طور نیست؛ اگر فقط صد تومان هم اضافه بر هزینه سال ربح داشته باشد، باید خمس همین صد تومان را بپردازد. به عبارت دیگر، یکی از فرقه‌های خمس با زکات این است که اگر یک سال زکات داد و سال دیگر همه شرایط وجوب زکات وجود داشت باید دوباره زکات را بپردازد تا مقدار اموال به حدی برسد که از مرحله نصاب خارج شده باشد ولی در بحث خمس به مجرد این که اموال زائد بر مؤونه سال شدند واجب است خمس آن اموال را به عنوان ارباح مکاسب بپردازد و برای بار دوم خمس به آن اموال تعلق نمی گیرد.